

## بیانیم اصل تقسیم کار را رعایت کنیم

آیا وصول مالیات بوسیله

سردفتران صلاح و صحیح است؟

تقلید و تاسی در امور صنعتی عیب و ضرری ندارد بلکه میتوان گفت یکی از طرق توسعه و ترویج صنایع صنعتگران مادون تقلید از هنرمندان مافوق است بعلاوه برای هیچ قوم و ملتی تقلید و تبعیت از صنایع ملت دیگر عار و ننگ نیست و با حفظ اینکه موفقیت در تقلید در مقابل توفیق در تعبیه و اختراع ناچیز و حقیر است مع الوصف قدر مسلم میتوان مطمئن بود که هیچگونه خوف و اندیشه فسادی برای ملت مقلد متصور نیست ولی تقلید و اقتدا در امور حیاتی و شئون اجتماعی محتاج دقت فراوانی است و نباید در اصلاح امور اجتماعی آثار مهمه عرف و عادت و چگونگی اوضاع و احوال و محیط و زمان و مکان را از نظر دور داشت و عبارت دیگر نباید مانند طبیعی شد که معالجه مخصوصی را در باره بیماران مختلفی که دارای امزجه گوناگون و استعدادات متفاوتند تطبیق و استعمال نماید زیرا اینگونه طبابت بعوض صحت و برائت در بعضی موارد موجب هلاکت میشود.

چون ملل از حیث علاج مانند افرادند و همانطور که در يك فرد دوائی که بامزاج، ترکیب، سن و استعداد و خصوصیات دیگرش مناسب نباشد مفید نیست بلکه اغلب ضرر و سوء اثر دارد نسخه اجتماعی نیز اگر با وضعیت و استعداد آن غیر منطبق باشد حسن اثر نخواهد بخشید.

آنهائیکه از اسرار ترقی و تقدم اهم و موجبات انحطاط و تاخر ملل واقفند،

آنهاییکه جریان امور و حوادث تاریخی را مورد دقت قرار میدهند بخوبی میدانند که اگر ملتی بخواهد در مسائل حیاتی و شئون اجتماعی به ملت دیگری اقتدا و از آن تبعیت کند در صورتی موفق میشود که علاوه بر شباهت خود بین دو قوه حافظه دو ملت هم که بر آنها ریاست و حکومت دارند شباهت و تناسبی وجود داشته باشد و آن تناسب و شباهت ضامن اجرای مقصود شود .

متأسفانه تا کنون اغلب کسانی که در رأس سازمانهای ما قرار گرفتند صرفاً باستناد شعور و ادراک خود مطالبی گفته و نوشته و محسناتی برای آن تصور، و خیال کرده اند که این وحی منزل یکی از اصول حیاتی است و باید ب مردم القاء و بی چون و چرا اجرا شود و حال آنکه در صورت امان نظر همینکه حجاب مظاهر سطحی از آن برداشته شود و صورت ذهنیه نتایج آن در نظر مجسم گردد از آنچه میبینند وحشت میکنند و در هر جا و هر حالی باشند میایستند و از خدا میخواهند که آنها را بدرک علل اولیه و عوامل اصلی هدایت کند ، یا اگر خیلی دقت و احتیاط کرده اند بدون توجه بلزوم استمداد و استعلام از افراد مجرب و صاحب نظر فقط کمیسیونی تشکیل داده و نخواستند بدانند که تعداد افراد ایجاد استعداد و صلاحیت نمیکند و فقط از لحاظ فیزیکی مؤثر است .

توسل باینگونه کمیسیونها و این طرز تقلید بی مطالعه موجب شده است که در اغلب موارد تحمل دردهای اجتماعی بمراتب آسانتر از قبول داروهای معالجه تلقی گردیده و در طی ادوار متمادی بیش از حد قیاس برای رفع مفاسدی که در جریان حیات عمومی ظاهر و رایج شده بدون انقطاع کشمکشهایی وجود داشته ولی متأسفانه در اغلب موارد چون سهمی از دردناشی از خود درمان بوده دردی درمان شده است .

من در این سن و سال برای اولین دفعه دیدم و شنیدم که یک وزیر دادگستری کارمندان و قضات و وکلاء و سردفتران و اهل فن و صاحب نظران را دعوت نموده برنامه خود، مقاصد و معتقدات خود را با آنان در میان گذاشت و افکار خود را بوسیله رادیو و تلویزیون و مطبوعات در معرض قضاوت عمومی قرارداد

برای اولین بار دیدم که برای وضع یا اصلاح قوانین و مقررات ثبتي از خودکار گنان  
ثبت و سردفتران دعوت و کسب نظر شده است .

البته هیچ قانونگزاری نیست که در قانون نظر خصوصی نداشته باشد علتش  
این است که هر قانونگزاری آدم است و هر انسانی دارای عواطف و افکار مخصوصی  
است و در حین وضع قانون میخواهد نظریات خود را در آن بگنجاند .

ارسطو در وضع قوانین گاهی میخواهد احساسات حقد و حسد خود را نسبت  
بافلاطون تسکین بدهد و زمانی علاقه و محبت خود را نسبت باسکندر ظاهر سازد .

افلاطون از استبداد ملت آتن بیزار بود و این نفرت در قوانین او محسوس است .

ماکیاول دوک و لانتیوآرا دوست میداشت و این محبت از قوانین او  
فهمیده میشود .

توماس مور که خیلی تحت تأثیر کتب گذشتگان قرار گرفته بود میخواهد  
تمام کشورها را بسادگی یکی از شهرهای یونان اداره کند .

مقصود این است که قانون همواره با عواطف و احساسات قانون گزاران  
برخورد میکند ، گاهی از اوقات عواطف و احساسات او در قانون تأثیر نموده گاهی  
هم قانون مطلقاً و بطور کامل تحت تأثیر عواطف و نظریات خصوصی قانون گزار  
قرار میگیرد .

ما میدانیم که وزیر داد گستری تحت تأثیر تدابیر عاقلانه شاه است و علاقه دارد  
که مقاصد و تمایلات عالی شاهنشاه را برای بهبود اوضاع اجتماعی و اعتلا و احترام  
داد گستری از قوه به فعل در آورد و این خود یکی از عوامل تشویق ماست که در  
این خدمت ایشان چون موئی بر پیمان مددی باشیم و در عین امیدواری بادامه دقت  
و متانت ایشان منذ کر می شویم که فساد يك جامعه بر دو قسم است یکی اینکه توده  
قوانین را مراعات نکند که این درد چاره پذیر است و دیگر اینکه قوانین توده را  
فساد کنند این درد درمانی ندارد زیرا درد ناشی از درمان بهترین مصداق درد بیدرمان  
است و اگر در تدوین قانون با اصول حقوقی بی اعتنائی شود بهترین قوانین بد

میشود و بر علیه دولت بر می‌گردد و وقتی اصول سالم باشد قوانین متوسط هم اثر قوانین خوب را دارد .

کسانیکه در تهیه طرح اصلاحی باتدوین قانون شرکت میکنند باید متوجه باشند که انشاء و مضامین قانون صریح باشد و طوری نوشته شود که همه از آن يك مطلب بفهمند نه اینکه هر کسی از آن يك مطلب علیحده استنباط کند .

منتسکیو میگوید کار دینال ریشلیو میخواست قانونی وضع نماید که مردم بتوانند از وزیر نزد شاه شکایت کنند و او را نزد شاه متهم نمایند مشروط باینکه اگر اتهام ثابت شده چندان اهمیت نداشت خود شاکی تنبیه شود يك چنین قانونی که صراحت نداشته باشد هر کس از آن مطلبی میفهمد زیرا درست معلوم نیست چه اتهامی دارای اهمیت و کدام يك بی اهمیت است .

برای اینکه قوانین و مقررات و خط مشی های سیاسی و قضائی و طرح ها و نقشه ها و بطور کلی افکار ایجاد و اصلاحی از عالم تخیل تجاوز کرده بجامه تحقق و عمل در آیند ناچار باید اوضاع و احوال مردم ، چگونگی محیط و آداب و عادات و عقاید و افکار را در نظر گرفت و امکان و وسائل اجرای آنها را زیر میکروسکوپ استدلال بررسی کرد و بر محور صحیح اصولی قرارداد و از تقلید بدون مقایسه و بی مطالعه احتراز جست .

تا کنون بارها دیده شده است که افرادی مخلوق افکار فردی خود را بصورت مقررات بجامه تحمیل کرده یا بدون توجه باینکه قراردادن جمع بجای فرد تولید عقل و استعداد و صلاحیت نمی کنند با تشکیل يك کمیسیون و تقلید سطحی از دیگران مطالبی را سرهم کرده و در مرحله عملی بموانع و مشکلات گوناگون برخورد کرده اند مثل قانونیکه بعنوان تقلید از دیگران وصول مالیات را بعهده سردفتران گذاشت . مگر وقتی سردفتران بکار خود مشغول بودند، سند می نوشتند و بمسائل مدنی مردم رسیدگی میکردند و مقاصد آنان را بقالب قانونی میریختند دارائی هم مالیات وصول میکرد چه عیبی داشت که گفتند سردفتران مالیات وصول کنند .

این فکر از کجا آمد به تقلید از کدام کشور بود چه سودی داشت از چه  
خرجی و از چه تشکیلاتی کاست و در صورت صحت این ادعا کجای ما با کجای آن  
کشورها شباهت دارد؟

مگر وقتی هر دستگاهی مسئول کار خود بود چه عیبی داشت که ضعف خصوصی  
بعضی از مؤسسات را با ضعف عمومی سایرین آمیختند.

نمیدانم چرا سازمانهای اداری عادت نکرده‌اند که در صدد تجسس عقاید  
عمومی یا اقلای عقاید دسته‌ای از مردم که تصمیمات اداری مستقیماً با آنها ارتباط  
دارد برآیند و چرا اغلب رویه و تصمیمات متخذه اداری مقبول عقاید عمومی نیست  
و در اغلب مسائل اداره عمومی و عقاید عمومی نسبت بیکدیگر بیگانه‌اند.

در کتابی خواندم که چند نفر چشم بسته هر یک قسمت مختلفی از بدن فیل  
را لمس کردند وقتی تعریف فیل از آنها سؤال شد هر یک تعریفی از فیل کرد که  
متناسب با قسمت لمس شده از بدن فیل بود در نتیجه هیچک از آنان در تعریف  
فیل بایکدیگر اتحاد نظر نداشتند در صورتیکه کلیه تعاریف اظهار شده صحیح  
برفیل صادق بود!

سردفتر هدفتش، تحصیلاتش، تجربه‌اش - استعدادش - آمارگی اش همه  
برای کار سردفتری است و باید فارغ از هر امر دیگری برشته خود به تکالیف خود  
بامور و مسائل قوانین و احکام و مقررات و اسناد مربوطه پردازد و بداند که مسئول  
حسن تنظیم و دقت انشاء و قابلیت اجرای اسناد است. دستش روی این موضع است!  
فقط دفترخانه!

دارائی هم چشم بسته دستش روی موضع وصولی است پول میخواهد! پول!  
هر دو حق دارند هر دو درست میگویند ولی هر کدام برای خودشان و در حد و مرز  
خودشان!! باید دید آیا مصلحت اقتضا میکند که دفاتر را از کار اصلی خود و از وظیفه  
مهم‌تری که دارند بازداریم و بکار وصول و ایصال و حسابداری و آمارگری بگماریم و  
خدمتی را که داوطلبانه قبول کرده‌اند بگذاریم و کاری را که نمی‌خواهند نمی‌توانند

برخلاف میل و مصلحت عمومی ایشان بآنان تحمیل کنیم .

سردفتر در رشته خود باروانشناسی ، علم الاجتماع ، مردم‌داری و مسائل حقوقی کاربرد دارد، سردفتر باید بجای حساب مالیات و عوارض در باره دلالت الفاظ و حدود معانی کلمات و عبارات اسناد تنظیمی فکر کند و متوجه باشد که اشتباه یا قابل تفسیر بودن انشاء يك سند ممکن است تا چند نسل صاحبان اسناد و اعقاب آنان را دچار زحمت کند .

کار سردفتر با مردم است ، احساسات و تمایلات طبقات مختلف مردم باید در محیط دفتر خانه رعایت شود و کار دفتر خانه واجد جنبه تحرك و تنوع است و بایستی با وضع افراد و مقتضیات اجتماعی و چگونگی زمان و مکان منطبق شود .

مهارت نظری و تجربه عملی در تشخیص موقعیت ارباب رجوع و دل دادن بمطالب ، اندیشه در مسائل ارباب رجوع تمرکز فکر و فراغت خاطر می‌خواهد و از لحاظ علم الاجتماع و مردم‌داری که بزرگترین عامل گردش کار دفتر خانه است سردفتر نمی‌تواند و نباید در لباس و قیافه مأموردارائی در آید و مانند کارمند دولت مقررات خشک اداری را بر رخ مردم بکشد بلکه ناچار است کار دفتر خانه را در حدود قوانین با موازین اجتماعی و محیط تربیتی و توقعات عمومی تطبیق کند و وصول مالیات و عوارض با توجه به روابط و توقعاتی که مردم از سردفتران دارند سازگار نیست .

یکی از اصول مسلمة اجتماعی تقسیم کار است که افراد بشر از بدو پیدایش و تشکیل جوامع بشری حتی در جوامع ابتدائی این اصل را رعایت می‌کرده‌اند و هر فردی از افراد و طبقه‌ای از اصناف در کوچکترین جوامع بشری دارای وظیفه مخصوصی بوده و تشکیل وزارت خانه ها و ادارات دولتی برای تفکیک و وظائف افراد بر اساس تقسیم کار بنا شده است که از هر دستگاهی اجرای تکالیف معینی را انتظار داشته باشند و اگر اصل تفکیک و وظایف و تقسیم کار در بین نبود يك وزارت یا يك اداره عمومی برای کلیه مسائل اجتماعی بس بود و اسکان عشایر و اقامت اتباع بیگانه و تخشائی ارتش و

و هنرهای زیبا و بسیاری از امور را بیک اداره میدادند و وزارت بهداری هم برای سهولت و تسریع کار، مأمورین ثبت را به تلقیح آبله و تزریق واکسن میگماشت. دادگستری برای تدوین قوانین و تأمین امنیت اجتماعی وزارت جنگ برای تجهیزات نظامی و امور و مسائل دفاعی، وزارت بهداری جهة تأمین بهداشت عمومی دارائی هم برای تأمین و وصول درآمدهزینه ضروری کشور است. منظور از تشکیل ثبت و تأسیس دفاتر رسمی هم تحکیم اسناد معاملات است نه وصول مالیات! سردفتر نباید قوای عقلی و مغزی خود را صرف وصول مالیات از مردم و نوشتن صورت حساب مالیاتهای وصولی و تعیین ضریب و ایصال و تحویل ب صندوق کند هر کس بکار خود و هر چیزی بجای خود. بیائیم اصل وحدت فرماندهی و تقسیم کار را رعایت کنیم

## فراسیون

**کانون سردفتران** - بردباری در تحمل شوائب و سختیها از اختصاصات هر اجتماع منور و متفکری است سردفتران هم که بحکم عقل و تجربه از این سنت طبیعی برخوردارند انواع تحمیلات و مقررات ناهنجار را هضم کرده روزگار ناهمواری را با سکوتی اعتراض آمیز گذرانیده و تاکنون از هیچگونه کمک و همکاری در مواقع استمداد دریغ نکرده اند ولی حجم تصاعدی این قبیل کمک و همکاریها و همدانواع تکالیف معاضدتی و وظائف و امور اصلی دفترخانهها را در جرز قرارداد است. اینک بنا بر خواسته سردفتران و اظهار ناتوانی این طبقه در تصدی امور فنی سایر مؤسسات توجه دولت را به مالیاتهای وصولی دفترخانهها و محاسبه آن از طریق برآورد هزینه عناصر وصول، مخارج اداری (از نظر کار)، افزایش حجم خدمات اداری، تصاعد خرج کارپردازی، بالا رفتن سطح هزینههای انتقالی و تکثیر حفره های خفقانی و گردش بیجای چرخها و هدر انرژی و مصرف نیروی انسانی جلب و بمقایسه با مفاشرت بلاواسطه و مستقیم دستگاه دارائی دعوت و مخصوصاً از اولیاء عالیه دادگستری استدعا میکنیم که در قوانین جدید و مقررات اصلاحی، سنگینی بارهای دیگران را از دوش سردفتران بکاهند.